



قدرت در دست مردم جهان است؛ آمریکا باید با مردم وارد تعامل شود

معاون وزیر خارجه آمریکا در امر دیپلماسی عمومی و امور عمومی معتقد است هرم قدرت وارانه شده است و مردم بیشتر از فرمانروایانشان در جهان قدرت دارند به همین دلیل آمریکا باید با توسل به دیپلماسی عمومی با مردم جهان ارتباط بهتری برقرار کند.

معاون وزیر خارجه آمریکا در امر دیپلماسی عمومی و امور عمومی معتقد است هرم قدرت وارانه شده است و مردم بیشتر از فرمانروایانشان در جهان قدرت دارند به همین دلیل آمریکا باید با توسل به دیپلماسی عمومی با مردم جهان ارتباط بهتری برقرار کند.

به گزارش خبرنگار دیپلماسی عمومی و جنگ نرم خبرگزاری فارس، وزارت امور خارجه آمریکا در گزارشی به قلم "جودیت مک‌هیل" نوشت: گفتن این که ما در دنیایی در حال تغییر زندگی می‌کنیم، یا بزرگ‌ترین کتمان حقیقت در این عصر است و یا پرکاربردترین جمله‌ای که امروزه مقامات دولتی به زبان می‌آورد. شاید هر دو این جمله‌ها درست باشد؛ ولی در زمینه دیپلماسی عمومی، نمی‌توان با قطعیت سخن گفت. ما در جهانی متغیر و در حال تغییر زندگی می‌کنیم. ما در لحظه‌ای از تردید و احتمال زندگی می‌کنیم که هم امکان تفکرات جدید را می‌دهد و هم کاملاً بدان نیاز دارد.

* قدرت تنها در دست افراد انگشت‌شمار خاصی بود که بر قاعده گسترده‌ای از مردم در یک هرم کنترل اجتماعی سیستماتیک حکومت می‌کردند

در ژانویه 2010، هفت ماه پس از آن که من [جودیت مک‌هیل] به سمت معاون وزیر خارجه آمریکا در امر دیپلماسی عمومی و امور عمومی منصوب شدم، "بونو" 10 ایده جدید برای آغاز دهه جدیدی میلادی در یکی از صفحات نیویورک تایمز منتشر کرد. یکی از این ایده‌ها واقعاً جالب بود. در قسمت اعظم تاریخ بشر، قدرت تنها در دست افراد انگشت‌شمار خاصی بود که بر قاعده گسترده‌ای از مردم در یک هرم کنترل اجتماعی سیستماتیک حکومت می‌کردند. طبق برداشت بونو، و برداشت بخش هنر نیویورک تایمز، این هرم اکنون وارونه شده است. گروه‌های بزرگ مردم که دست‌های خود را به نشانه مشارکت بالا برده‌اند، همگی به یک نقطه اشاره می‌کنند. آنها در کنار هم به مردی قوی تبدیل شده‌اند که تلاش می‌کند در زیر سنگینی توده‌های قدرت، تاب آورده و بر روی پای خود بایستد. 18 ماه بعد و در میان قیام‌های مردمی در جهان عرب، در کنار همه وقایعی که در مصر اتفاق افتاد، ایده هر می که بر راس خود وارونه شده، بیش از پیش به استعاره‌ای بجا و بامعنی تبدیل شد.

در جهانی که قدرت و نفوذ حقیقتاً به بسیاری از مردم تعلق دارد، ما باید با افراد بیشتر در مکان‌های بیشتری در تعامل باشیم. این، حقیقت اساسی و ضروری دیپلماسی عمومی در عصر اینترنت است.

* همه به دنبال نفوذ بر قدرت

ولی تنها توزیع قدرت نیست که تعامل بیشتر را ضروری می‌سازد. دورنمای بازیگرانی که به دنبال نفوذ بر این قدرت هستند نیز گسترش یافته است. در سال‌های گذشته، ما به انتظار کشیدن برای آن که توجه دنیا به سوی ما جلب شود، قناعت می‌کردیم و انتظار داشته که همین گونه شود و هنگامی که به گزینه‌ای جذاب تبدیل می‌شدیم، همین گونه می‌شد و دنیا به ما توجه می‌کرد. ولی دیگر چنین نیست. امروزه ما باید با ادراک رو به افزایش و نفوذگذاران با انگیزه‌ای در عرصه جهانی رقابت کنیم که هر یک به مجموعه گسترده‌ای از ابزار مقرون به صرفه و وفق‌پذیری برای انتشار پیام خود مجهز هستند.

* قدرت‌هایی مانند ایران عضلات اقتصادی و سیاسی خود را منعطف می‌کنند و شبکه‌هایی از مراکز فرهنگی خود را در جهان پایه‌گذاری می‌کنند

قدرت‌هایی مانند چین، برزیل و ایران عضلات اقتصادی و سیاسی خود را منعطف می‌کنند و شبکه‌هایی از مراکز فرهنگی و زبانی خود را در سراسر جهان پایه‌گذاری می‌کنند. ما همچنین باید با افراط‌گرایان که به آسانی بازیگران رسمی عرصه سیاست، ایده‌های خود را به جریان عمل می‌اندازند مقابله کنیم. این چالش‌های جدید ما را وادار می‌سازند که بپرسیم: ما چگونه برخیزیم و در این محیط شلوغ و پیچیده واکنش نشان دهیم؟ پاسخ ساده است: با وارد کردن دیپلماسی عمومی به بازار ایده‌ها.

* هرم قدرت به این دلیل وارونه شد که مردم سراسر جهان مصرانه می‌خواهند صدای خود را به گوش جهان برسانند و آینده خود را خودشان طراحی کنند

هرم قدرت به این دلیل وارونه شد که مردم سراسر جهان مصرانه می‌خواهند صدای خود را به گوش جهان برسانند و آینده خود را

خودشان طراحی کنند. آنها به صحبت‌های بسیار مهمی در این زمینه می‌پردازند... همین الان در چت‌روم‌ها و کلاس‌های درس و اتاق‌های تشکیل جلسات... و در انتظار کسی نیز نمی‌مانند.

* توجه به همه اقشار مردم، اصل اساسی دیپلماسی عمومی

اگر دولت‌ها می‌خواهند جزیی از این تفکر باشند، باید به این مردم رجوع کنند. دولت‌ها باید به هرگونه که می‌توانند در هر ساعت شبانه‌روز در بین مردم قرار گیرند. دولت‌ها هم همین کار را کرده‌اند و به عنوان مثال، اوباما رئیس‌جمهور آمریکا و هیلاری کلینتون وزیر خارجه این کشور سعی دارند جای خود را در میان مردم باز کنند و می‌خواهند این کار را به تمامی افسرهای آمریکایی در سفارت‌خانه‌های این کشور در سراسر جهان تعمیم دهند.

* آمریکا کسانی را نادیده می‌گرفت که اکنون تغییرهای سراسر جهان را اجرا می‌کنند.

حضور در بازار ایده‌ها به معنی استفاده از همان مکان‌ها و سکوهایی است که جوامع و فعالان آن از آنها استفاده می‌کنند. کشورها تلاش می‌کنند گفتگوهای مهم در این مکان‌ها را بیابند و نظر خود را با احترام ابراز کنند تا فعالانه با رسانه‌های جهانی در ارتباط باشند و اطلاعات نادرست را دفع کنند و هنگا می که سایرین، حرفی درباره آنها می‌زنند، آنها هم داستان حقیقی خود را بیان کنند. دولت آمریکا به افسران خود دستور و امکان آن را داده که کار خود را از دیدگاه مصرف‌کنندگان ببینند. دولت آمریکا سال‌ها به مردم سایر کشورها با دید سیاسی یا اقتصادی نگرسته و تنها راس هرم، یعنی رهبران سیاسی، ارتشی یا نخبگان اقتصادی را نشانه گرفته است. این بدین معنی است که آمریکا جوانان، افراد غیروابسته، بیکاران و هر کس دیگری را که در این مجموعه‌ها قرار نداشت، نادیده می‌گرفت. آمریکا کسانی را نادیده می‌گرفت که اکنون تغییرهای سراسر جهان را اجرا می‌کنند. هرم وارونه، توجه به دیدگاه‌ها و نظرات مردم سایر کشورها را جزئی مهم از فرایندهای تصمیم‌گیری در زمینه سیاست خارجی در قرن بیست و یکم می‌داند. سیاست‌گذاری و دیپلماسی عمومی پیشتر دو مقوله جدا از هم و نامناسب برای دستگاه سیاست خارجی آمریکا انگاشته می‌شدند و سیاست خارجی بر این منوال تنظیم می‌شد. سال‌ها این دیدگاه باعث می‌شد آمریکا از سیاست خارجی خود نتیجه کمی بگیرد. "ادوارد آر مارو" خبرنگار بزرگ آمریکایی و اولین رئیس "آژانس اطلاعات آمریکا" این نکته را به خوبی بیان داشت. هنگامی که از وی خواسته شد به نفع بحران "خلیج خوک‌ها" (Bay of Pigs) [نام یک عملیات نظامی ناموفق آمریکایی که در کوبا اجرا شد-م] سخنی بگوید، وی با عصبانیت گفت: "اگر می‌خواهند اکنون مرا به این سقوطگاه بکشانند، باید هنگام برخاستن هواپیما خرم می‌کردند".

* تونس، طلایه‌دار تحول در خاور میانه و جهان

طی دو سال گذشته، حصول اطمینان از حضور دیپلماسی عمومی در هنگام آغاز هر کاری جزء اصول راهنمای دولت آمریکا بوده است. دولت آمریکا دورنمای دیپلماسی عمومی را به بالاترین حد خود رسانده و بر نوآوری در این زمینه به منظور حمایت از اهداف سیاست خارجی خود اصرار می‌ورزد. آمریکا سرسختانه تلاش کرده ساختارها و فرایندهای وزارت خارجه خود را اصلاح کند تا به نتایج بهتری دست یابد.

رویدادهای اخیر تونس نشان می‌دهد که چرا این رویکرد امروزه تا این حد حیاتی است. تنها چند ماه پیش، مجموعه بازیگرانی که در تونس اهمیت و نقش اجرایی داشتند، بسیار محدود بود. گروه کوچکی، چه در سیاست و چه در اقتصاد، کلیدهای اصلی قدرت را در دست داشتند و دسترسی دیگران به آن عملاً ناممکن بود. سفارت‌خانه و برنامه‌های آمریکا در تونس هم به گونه‌ای طراحی شده بود که با آن جهان هم‌خوانی داشته باشد.

سپس، ظرف تنها چند هفته، نظام این کشور دگرگون شد. کشوری که در آن زمانی تنها مجموعه‌ای محدود جهت‌گیری کشور را تعیین می‌کرد، اکنون 11 میلیون تونسی سربلند مشتاقانه در شکل‌دهی به آینده خود، از انتخابات گرفته تا آموزش و توسعه اقتصادی، شرکت می‌کنند. مهم‌تر آن که، آنها برای اولین بار می‌توانند به اطلاعات و ابزاری که برای این کار بدان نیاز دارند، دسترسی یابند. مردم تونس حزب‌های سیاسی تشکیل می‌دهند و جامعه مدنی خود را تقویت می‌کنند. آنها در حال گسترش آزادی بیان و تقویت آموزش و آموزش شغل‌های مهارتی هستند. آنها برای رشد اقتصاد خود و کارآفرینی تلاش می‌کنند. آمریکا هم در صورت تقاضای مردم تونس، آماده کمک به این تلاش‌ها است.

* آمریکا باید شیوه تعامل خود را اساساً تغییر دهد

برای کمک به مردم تونس برای استفاده از این فرصت و تضمین تحول موفقیت‌آمیز به سمت دموکراسی، آمریکا باید شیوه تعامل خود را اساساً تغییر دهد. آمریکا باید از وزارت‌خانه‌های دولتی فراتر رفته و ع میقا و بطور گسترده با جامعه تونس تعامل کند. هرم وارونه نیازمند جهت‌گیری مجدد اساسی دیپلماسی آمریکا است. درست همان گونه که تونس گرایش نوین در خاور میانه به راه انداخت، این کشور اکنون پیشگام چیزی است که در سراسر جهان در جریان است. شهروندان سراسر جهان بطور روزافزون گرایش‌های

سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جدیدی را به راه می‌اندازند و دولت آمریکا باید خود را با آنها هماهنگ کند. در این چشم‌انداز به سرعت در حال تحول، همان گونه که آمریکا به دنبال پیشبرد سیاست خارجی خود و افزایش امنیت و کامیابی جهان است، رویکرد این کشور هم باید دیپلماسی عمومی، و شهروندانی را که به دنبال تعامل با آنهاست، در بطن خود جای دهد.